

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

واسیلی متروخین

مترجم: احمد ضیاء رهگذر

۲۰۰۳۰۹

ک. ج. ب. در افغانستان

(کودنای دسمبر)

به ادامه گذشته:

در هفدهم دسمبر یک دسته از "محافظین" شوروی در اقامتگاه جدید امین واقع در دارالامان مستقر گردیدند. در بیستم دسمبر ساعت سه بعد از ظهر امین تحت تدابیر شدید امنیتی به دارالامان منتقل گردید. غرض محافظت از شخص رئیس دولت و رهبر حزب یک گروه گارد خلق با یازده عراده تانک نیز بدانجا منتقل گردیدند. در بیست و دوم دسمبر پوستر هائی در شهر کابل نصب گردیده بود که در آنها شعار های "مرگ بر کمونیستها و امپریالیستها. مرگ بر حفیظ الله امین خاین و سگهای محافظ روسی" به چشم میخورد. در بیست و سوم دسمبر امین علاقه زیادی نسبت به اوضاع در پایگاه هوائی بگرام از خود نشان میداد. اجنهای مربوط "کام" وارد عمل شده، جریان حرکت کاروان های نظامی را تحت نظارت قرار داده بودند. حکیم قومندان پایگاه هوائی بگرام به امین از مواصالت واحد های نظامی شوروی به آنجا اطلاع داد. اسد الله رحمان از سازمان استخباراتی "کام" به دفاتر کام در میدان هوائی کابل و بگرام هدایت داد تا در مورد تعداد طیاره های روسی و نوع آنها، زمان نشست آنها، محموله های آنها و همچنان محلی که این طیاره ها از آنجا پرواز نموده اند به شخص او اطلاع بدهند. برای نخستین بار پیلوتهای افغان با هلیکوپتر های میگ - ۲۵ [نوع هلیکوپتر شاید دقیق نباشد] در ارتفاع ۶۰،۷۰ متری بر فراز اردوگاهی که در آن قوای پراشوت شوروی جابه جا گردیده بود، پرواز کردند. محمد سلطان رئیس امور سیاسی "کام" توجه امین را به گزارشات رادیو های کشورهای غربی مبنی بر مواصالت قوای شوروی به افغانستان جلب نمود. اما در مورد ورود قوای شوروی نظرات مختلفی در بین افغانها وجود داشت. تعدادی این حرکت شوروی را به مثابه حمایت آنکشور از رژیم امین میپنداشتند و تعدادی هم به این باور بودند که شوروی روابطش را با امین میخواهد قطع نموده او را کنار بزند.

به تاریخ بیست و چهارم دسمبر "تابیف" سفیر شوروی در کابل به بیروی سیاسی اطلاع داد که "در این اواخر در افغانستان فعالیت‌های امریکائی‌ها مورد انتقاد قرار گرفته است. در بیست و دوم دسمبر امین در بیانیه اش خطاب به منسوبین وزارت صحت عامه به مداخله امریکا در نقاط مختلف جهان اشاره نمود. او از استقرار کشتی‌های نظامی امریکائی در خلیج فارس که زندگی برادران کارگر ایرانی را مورد تهدید قرار می‌دهد، یاد آوری نمود".

در بیست و پنجم دسمبر جلسه بیروی سیاسی تحت ریاست امین در خانه خلق دایر گردید و در آن بحث روی اوضاع جاری در کشور و آمادگی برای عملیات بهاری صورت گرفت.

امین در آستانه هجوم نظامی قوای شوروی به افغانستان به سلطان احمد، احساسات خود را چنین بیان نمود:

"تمام تلاشهای من در جهت بهبود روابط افغانستان با امریکا و کشور های غربی بی ثمر بوده است. امکانات ما دیگر خاتمه یافته و من خود را در برابر کشورهای غربی فارغ از هرگونه التزام میبینم".

واحد های اصلی قوای نظامی شوروی در شب ۲۶/۲۵ دسمبر دست به کار شدند. فرقه چهل تحت فرمان دگر جنرال ب.ی. تکچ^۱ به اشغال افغانستان آغاز نمود. افغانها معلومات دقیقی در مورد اینکه در کشور شان چه میگذشت را نداشتند. اما افراد مربوط به ستردرستیز قوای مسلح افغانستان، آنهاییکه معلومات دقیق از اوضاع داشتند به این باور بودند که هدف از عملیات نظامی شوروی ها حمایت از امین نه بلکه کنار زدن نامبرده بوده، شوروی ها مخالفین امین را در رسیدن به قدرت کمک خواهند نمود. در این میان از ببرک کارمل رهبر جناح پرچم نامبرده میشد. یعقوب لوی درستیز چنین توضیح نمود:

"اگر قوای شوروی را در فصل تابستان به افغانستان می‌آوردند در آنصورت من میتوانستم با همه دشمن مقابله نمایم".

تهاجم به افغانستان اولین قربانی از خود را زمانی به جا گذاشت که یک طیاره ایلوشن ۷۶ در ناحیه سالنگ با کوه تصادف نموده و باعث قتل چهار تن از کارکنان طیاره و سی و هفت تن پرسونل نظامی گردید.

به تاریخ بیست و ششم دسمبر گزارشی از کابل به مسکو فرستاده شد که در آن به مقاله ای اشاره شده بود که به تاریخ بیست و پنجم دسمبر تحت عنوان "اراده مردم عامل تصمیم گیرنده خواهد بود" در روزنامه کابل تایمز نشر شده بود.

در این مقاله مبهم آمده بود "تجارب تاریخی گواهیست که در هر کشور این مردم است که دارای نیروی قاطع در امر تحقق حقوق شان و به طور خاص در امر مبارزه در راه آزادی میباشد. آنچه را اراده مردم میتواند به دست آورد نمیتوان آنرا با قوای نظامی، تجهیزات نظامی و حتی با سلاح اتومی به دست آورد".

در این مقاله در کنار اسم کشور های چون ویتنام، کمبوجیا و ایران، اسم خلق افغانستان نیز ذکر گردیده بود. مقاله مذکور با شعار "مرگ بر مداخله گران" به پایان رسیده بود.

از آنجائیکه مطبوعات افغان شدیداً تحت سانسور قرار دارد، نشر این مضمون بدون تائیدی حفیظ الله امین ناممکن به نظر میرسد. زمان چاپ این مقاله حسب تصادف نبوده، این مقاله در روزنامه انگلیسی زبان، که اندک مردم افغانستان بدان آشنائی دارند به چاپ رسیده است. واضحاً هدف از نشر این مقاله تحریک گروه های طرفدار غرب بر علیه نیرو های شوروی و فراهم آوری منابع تبلیغاتی برای کشور های غربی بوده است تا باشد آنها به صورت فوری هیاهویی را در رابطه به اشغال افغانستان توسط شوروی به راه اندازند. اما در واقعیت این مقاله برخورد و رفتار مبهم و محتاطانه امین و اطرافیان او را در رابطه به حضور نظامی اتحاد شوروی در افغانستان منعکس میساخت."

B.I. Tkach

در این هنگام کابل در محاصره واحد های نظامی شوروی قرار داشت. هدف این بود تا جلو هر نوع تلاش اردوی افغانستان در جهت آزادی آن شهر گرفته شود. فرقه یکصد و سه مدافعه هوایی همراه با لوای های ۳۱۷ و ۳۵۷ پراشوت در نقاط حاکم شهر کابل از آن شهر مدافعه مینمود. لوای ۳۵۰ پیاده پراشوت وظیفه حفاظت از میدان هوایی کابل را به عهده داشت. محل قومنده فرقه در فاصله یک و نیم کیلومتری غرب میدان هوایی قرار داشت. یک کندک مربوط "گ. آر. یو" در حومه شهر، در جنوب غرب کابل در محله دارالامان مستقر گردیده بود. لوای ۳۴۵ خاص پیاده پراشوت از میدان هوایی بگرام محافظت مینمود. به همین ترتیب فرقه ۱۸۰ موتوریزه در ۱۰ کیلومتری کابل مستقر گردیده بود. لوای ۱۰۸ موتوریزه با یک کندک توپچی در ساحات قرغه، فاضل بیک، دارالامان و قلعه خواجه جابه جا شده بود تا بتواند مانع حرکت فرقه های ۸ و ۷ پیاده و غند ۳۷ کماندو اردوی افغانستان از جناح غرب و شرق به صوب کابل شوند. لوای ۱۸۱ موتوریزه با یک فرقه توپچی در ساحه پلچرخ در شهر "گاریبگار"^۲ موضع گرفته بودند تا مانع حرکت لواهای ۴ و ۱۵ تانک از شرق به طرف کابل شوند. لوای ۲۳۴ تانک با واحد های خاص آن در ۵ کیلومتری شمال کابل به منظور محافظت سرک کابل - چاریکار موضع گرفته بودند. به این ترتیب لوای ۵ به فاصله ۱۰ کیلومتر در غرب، لوای ۳۷۱ موتوریزه در ساحه دوغ آباد، لوای ۳۷۳ موتوریزه در ۵ کیلومتری شرق دره (ارسناب)^۱، لوای ۱ موتوریزه در ۱۵ کیلومتری جنوب غرب هرات، لوای ۲۴ تانک در ۲۵ کیلومتری جنوب شرق شیندند، یک غند توپچی، و واحد های کمکی در ۵ کیلومتری شمال (ارگیچت)^۲ موقعیت داشتند. محل قومنده در [۴] کیلومتری شیندند در ساحه (چخرهچوش)^۳ قرار داشت.^۴

در این زمان هدف عمده واحد های نظامی شوروی را خلع سلاح نمودن آن عده از قوای نظامی افغانستان که در دفاع از امین برمیخاستند و یا اوامر ببرک را نمیپذیرفتند، تشکیل میداد. اما اکثریت افسران قوای مسلح افغانستان تحت تاثیر مشاورین شوروی رفته، بیعت نمودند. افسران افغان بر علاوه اینکه کدام تلاشی برای دفاع از دولت [امین] ننمودند آمادگی شان را نسبت به خدمتگذاری به رژیم جدید نیز اعلام داشتند.

یک تعداد مقاومت های محدود و ضعیفی که صورت گرفت با قاطعیت سرکوب گردید. وزیر سرحدات و والی ولایت قندهار س.د. سخرام به کبیر قومندان قول اردوی نمبر دو هدایت داد تا به کابل حمله نموده محاصره شهر را بشکناند. اما کبیر از این هدایت او سرپیچی نموده اظهار داشت که او از ببرک فرمانبرداری میکند. قومندان قول اردوی نمبر اول تورنجرال م. دوست در جواب به این درخواست نظامیان شوروی که از مقاومت دست بردارد گفت، اگر حیات نامبرده تضمین گردد حاضر است اسلحه اش را به زمین بگذارد و از دولت جدید فرمانبرداری نماید که البته در آن موقع این تضمین برایش داده شد.

^۲ Garibgar این اسم شناسایی شده نتوانست. (مترجم)

^۱ Harsanb

^۲ Hargech

^۳ Chakharchosh

^۴ مقامات رهبری ریاست (س) ک.ج.ب. از افسران جوان مربوط این ریاست میخواست تا به شکل داوطلبانه به افغانستان برای حداقل مدت شش ماه رفته و جریان عملیات نظامی را با چشمان خود مشاهده نمایند. مولف

"ک.ج.ب" در بیست و هفتم دسمبر به عملیات (عقیق)^۱ آغاز نمود که مشتمل بود بر یورش بر اقامتگاه حفیظ الله امین رئیس جمهور جمهوری دموکراتیک افغانستان و منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، از بین بردن نامبرده و افراد نزدیک به او و بالاخره دستگیری همراهان و اعضای بلند پایه دولت او. برای سهم گرفتن در عملیات " عقیق " بیشتر از هفتصد تن از اعضای "ک.ج.ب." از مرکز و حومه آن به شهر کابل گردآورده شده بودند. اینها همه ینفورم نظامی افغانی به تن داشتند. رمز آغاز عملیات انفجاری بود که باید در زیر یک درخت در یک چهاراهی در مرکز کابل صورت میگرفت. برای انجام اینکار از قبل مواد منفجره در آنجا جاسازی شده بود. تعدادی اعضای "ک.ج.ب." که در جریان این عملیات به قتل رسیدند از مرز صد تن گذشته بود. تصاویر افرادی که در جریان اجرای وظیفه انترناسیونالیستی شان [نابودی حفیظ الله امین] به قتل رسیده بودند در دهلیزها و اطاقهای [ک.ج.ب.] نصب گردید. اندروپوف وادار گردید تا نصب این همه تصاویر را مورد غور و بررسی قرار دهد زیرا نصب اینها موجب جلب توجه بیش از حد میگردد.

آخرین بقایای مقاومت ساعت ده و سی دقیقه قبل از ظهر روز ۲۸ دسمبر مهار گردید. منزل جانداد قومندان گارد خلق که در نزدیکی اقامتگاه امین قرار داشت اشغال گردیده شخص او دستگیر شده به عمارتی که در آن قوای خاص [ک.ج.ب.] اقامت داشت انتقال داده شد. عبدالله امین برادر بزرگ حفیظ الله امین در یک قریه در مزار شریف دستگیر گردیده در یک اطاق مخصوص منفرد زندانی گردید. اعضای دولت و شورای انقلابی نیز دستگیر شدند. از اعضای فامیل حفیظ الله امین دو تن از پسران نامبرده در جریان جنگ به قتل رسیده بودند. یک پسر، سه دختر، عروسش (خانم عبدالرحمان پسر بزرگ امین) ، و خانم های عبدالله امین به زندان پلچرخ افکنده شدند. آنچه از اعضای دولت و شورای انقلابی که دستگیر گردیده بودند نخست در عمارت رادیو و بعداً به زندان پلچرخ منتقل گردیدند.

ببرک میخواست تا همه اعضای اسبق رهبری "ج.د.ا." به شدیدترین مجازات محکوم شوند. او میخواست تا آنهائیکه مسؤول قتل سربازان متجاوز شوروی بودند به شمول جانداد قومندان سابق گارد خلق و پیمان قومندان ملیشای خلق تیرباران شوند. ببرک همچنان از نماینده های "ک.ج.ب." درخواست نمود تا به اندروپوف اطمینان بدهند که او همه نظریات و پیشنهادات اندروپوف را اجرا نموده از آن عدول نخواهد ورزید. ببرک تأکید نمود که او به طور راسخ متقاعد است که "چکیست ها" و نظامیان شوروی در هنگام یورش بر اقامتگاه امین از خود قهرمانی و شجاعت نشان داده اند. نامبرده گفت: "ما میخواهیم که به زودترین فرصتی که ما از خود دارای انتظام گردیدیم از همه قوای شوروی و "چکیستها" که در این مبارزه سهم گرفته اند قدردانی کنیم. امید است دولت اتحاد شوروی از همه این رفقاء قدردانی نماید".

ببرک همچنان درخواست نمود تا ارتباط تلفونی دایمی بین او، برژنف، اندروپوف، اوستینوف، گرومیکو، پونوماریف و کریچکوف برقرار گردد.

اعضای "ک.ج.ب." به دلیل سهم گیری شان در عملیات " عقیق " ترفیع نموده و مورد تقدیر قرار گرفتند. لازرینکو^۱ به رتبه جنرالی نایل گردید البته با وجود عدم موجودیت گنجایش در تشکیلات. کریچینکو^۲ به رتبه دگرجنرالی رسیده

Agate

Lazarenko

Kirpichenko

متعاقباً به عنوان معاون اول بخش استخبارات خارجی "ک.ج.ب." تعیین گردید و کوزلوف^۲ عضو ریاست "س" لقب قهرمان اتحاد شوروی را به دست آورد.*

مقامات دولتی افغان در شب ۲۷ بر ۲۸ دسمبر هیچ آگاهی از اینکه چی اتفاق افتاده است، نداشتند. در آنشب محمد ظریف وزیر مخابرات، م. سوما وزیر تحصیلات عالی و مسلکی، منصور هاشمی وزیر آب و برق، خوما (ممکن منظور از سوما باشد. مترجم) منشی سکرتریت کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." و عبدالواحد قونسل افغانستان در کوپته همه با هم در منزل شماره ۱۰۴ در ناحیه سوم شهر کابل گردهم آمده بودند. تعدادی از آنها به این باور بودند که آنچه اتفاق افتاده است به تحریک امریکا صورت گرفته و تعدادی هم به این باور بودند که در عقب این حمله جنبش اخوان المسلمین قرار دارد. در جواب به این نظر که ممکن اینکار پرچی ها بوده باشد، ظریف با اطمینان کامل گفت:

" آنها هیچ کاری کرده نمیتوانند. شوروی ها به آنها این اجازه را نمیدهد". آنها همه مشوش وضعیت و سرنوشت امین و اقبال بودند. بعد از شنیدن بیانیه رادیویی ببرک، آنها در حالت عجز و نگرانی قرار گرفتند. خوما گفت شاید نشر این بیانیه کار پرچی ها بوده باشد و شاید این بیانیه اصلاً از رادیو کابل پخش نشده باشد. آنها بعداً درک نمودند که شوروی در جریانات اخیر دخیل بوده است.

واحد گفت: " این باید کار رهبران بلند رتبه باشد.

در هنگام پخش بیانیه ببرک تانکهای روسی در سرکهای شهر کابل گردش میکرد".

خوما گفت: " من فکر میکنم که این جنگ ادامه خواهد یافت، واقعاً ادامه خواهد یافت".

بازجویی از دستگیر شدگان آغاز گردید. دستگیر پنجشیری از زندان به نزد ببرک برده شد. ببرک با خشم او را مورد سرزنش قرار داده گفت:

"ما و رفقا شوروی تو را یک کمونیست واقعی تلقی میکردیم. اما تو به اعتماد و باور رفقای شوروی که در مسکو با تو صحبت کرده بودند خیانت کردی". پنجشیری اظهار داشت که او با امین هم عقیده نبوده و از آنجائیکه مخالفت علنی با امین برای او ناممکن بود بناءً او [پنجشیری] ترجیح داده بود تا به عنوان مخالف مخفی امین باقی بماند. پنجشیری در ادامه افزود:

"اما در ارتباط به صحبت های من با رفقای شوروی، من فکر میکردم که آنها [شوروی ها] میخواهند موقف من را در مقابل امین معلوم کرده بعداً در این باره به امین گزارش بدهند. اما اگر من از نیت واقعی شوروی ها [درباره امین] اطلاع میداشتم، بدون تردید موقف دیگری را اتخاذ میکردم".

اقبال در جریان تحقیقات ابتدائیش گفت:

^۲

Kozlov

صرفاً دگر جنرال ب.س. ایوانوف شخصیکه عملیات "عقیق" را رهبری نموده به پیش برده بود و در سال ۱۹۶۸ اندوخته هائی از مسایل "حساس و ظریفی" داشت از وظیفه اش به عنوان معاون اول بخش استخبارات خارجی "ک.ج.ب." سبکدوش گردید. او به شغلی در دفتر رئیس "ک.ج.ب." گماشته شد. مقامات رهبری طرح نادرست او مبنی بر کمک نمودن به تره کی و کنار زدن امین را هرگز فراموش نکردند.

که او در زندگی اش حتی یک مگس را نیز اذیت نکرده است و هرآنچه را که انجام داده است صرفاً اجرای دساتیر رهبری حزب بوده است. او گفت نمیداند که آیا امین جنایتکار بوده است و یا نه مگر "هرگاه رفقای شوروی وارد آوردن تغییرات را در سطح رهبری "ج.د.ا." ضروری میدانند، من نیز کاملاً با آنها موافقم".

خانم اقبال نزد کیوستین مراجعه نموده از او تقاضا نمود تا در قسمت رهائی شوهرش و یافتن یک شغل و محل بودباش برای خودش او را کمک نماید. او به کیوستین یادآور شد که زمانی او و شوهرش دوستانی خوب بوده اند.

[علی شاه] پیمان شدیداً افسرده بود او حاضر بود تا بر علیه امین از طریق رادیو صحبت کند. او نامه‌ عنوانی رفیق خود، کیوستین نوشت. در نامه او چنین آمده بود " من بارها آوازم را بر علیه قتلها، دستگیری ها و شکنجه ها، بلند نموده، مخالف سیاستهای امین بوده ام. من به صداقت کار نموده و اکنون نیز حاضرم برای مردم فقیر کشورم صادقانه کار کنم. من هیچگاهی خاین نخواهم بود". نامبرده از کیوستین و زیلاتین تقاضا نمود تا در قسمت رهائیش او را کمک کنند.

فقیر یکی از وزیران امین نیز حاضر بود تا بر علیه امین صحبت کند .

ببرک از دولت شوروی تقاضای استرداد اسد الله امین، برادرزاده و داماد حفیظ الله امین را که در شوروی تحت مدوا قرار داشت، نمود. اسد الله امین اندکی قبل از این حوادث به دلیل " مسمویت غذائی " به شوروی منتقل گردیده بود.

تحقیقات از افرادی که در دوران امین زندانی بودند نشان داد که ۱۲۹ تن زندانی به قتل رسیده بودند : ۹ پرچی، ۱۰ مائویست، ۱۲ تن از پیروان خمینی، ۲۸ تن شورشی، ۲۱ توطئه گر و ۴۹ اخوانی.^۱

به علاوه ۴۰ تن پرچی، ۱۳ تن پیرو خمینی، ۱۲ توطئه گر، ۳۲ شورشی، ۹ مائویست، ۱۲ اخوانی محبوس گردیده بودند. ^۲ رادیو کابل شام ۲۸ دسمبر اطلاعیه دولت جدید جمهوری دموکراتیک افغانستان را پخش نمود. در این اطلاعیه آمده بود " دولت اتحاد شوروی در جواب به تقاضای مکرر دولت "ج.د.ا." مبنی بر دریافت کمکهای عاجل سیاسی، اخلاقی و اقتصادی، موافقت نموده است".

سفارت شوروی ملاحظه نموده بود که در اصل متن این اطلاعیه که شب ۲۷ بر ۲۸ مواصلت نموده بود جمله " تقاضای های مکرر "ج.د.ا." از دولت اتحاد شوروی " وجود نداشت. این جمله بعداً اضافه گردیده بود.

بعد از قتل حفیظ الله امین، ایوانوف، کریپچینکو، بودگانوف و اوسکادچی هدایت ذیل را از اندروپوف به دست آوردند.

"در جهت تحت کنترل درآوردن اوضاع در کشور و در امر توسعه یافتن پایه های اجتماعی دولت جدید، باید به زودی ممکن بعد از تکمیل مرحله اول عملیات، به نیروهای سالم "ج.د.ا." کمک نموده آنها را مورد دستگیری قرار دهیم.

همچنان تدابیر لازمی باید در جهت شامل ساختن آنچه افرادی وفاداری شانرا به آرمانهای انقلاب اپریل و دوستی با اتحاد شوروی و رهبری جدید ارگانهای [دولتی] ثابت ساخته اند، برداشته شود. برای مهیا ساختن فضای مطلوب برای واحد های نظامی شوروی، تأسیسات شوروی و اتباع شوروی مقیم در "ج.د.ا." باید از هر امکان استفاده شود. باید معلومات درباره احساسات گروه های مختلف جامعه افغانی در امر بررسی اوضاع و اینکه در زمان مناسب باید چه اقدامات اتخاذ شود، فراهم گردد. باید تدابیر عاجل در جهت نورمال ساختن و تقویه کار ارگانهای استخباراتی طبق

پیروان جنبش اخوان المسلمین. ویرایشگر

بعضی از زندانیان [بعد از شش جدی] از زندان رها گردیدند اما "ک.ج.ب." خواست از این موضوع برای تبلیغات استفاده نماید. در یک نمایش تلویزیونی این نظریه مطرح گردید که اگر نظامیان شوروی به موقع به سراغ زندانیان نمیرفتند و ماموریت انساندوستانه شان را انجام نمیدادند، همه این زندانیان از بین برده میشدند. مولف

اصولی که توسط ببرک تدوین گردیده، اتخاذ گردد. رهبری خاندنوی^۲ باید تقویه گردد زیرا این ارگان دارای نقش مهم و اساسی در بخش پاسداری و بهبود نظم عامه است. همه اعضای نماینده گی "ک.ج.ب" و ریزیدنسی باید موقف خود را در جهت به دست آوردن اطلاعات مهم و معتبر توسعه و استحکام بخشند زیرا بدین وسیله میتوان روی جریان حوادث تاثیر گذاری نموده و آنها را به شکلی که ما خواهان آن هستیم شکل دهیم. توجه خاص باید به سازماندهی فعالیتهای استخباراتی نظامی در "ج.د.ا." مبذول داشته شود.

ریزیدنسی و نماینده گی "ک.ج.ب." افراد خودشانرا به مقامات مهم دولتی و حزبی نصب نمودند. اسد الله سروری به حیث معاون رئیس شورای انقلابی "ج.د.ا." تعیین گردید.

به تاریخ ۳۰ دسمبر به ادارات امنیتی "ج.د.ا." هدایت داده شد تا سازمانها و احزاب مخفی و طرفداران امین را شناسائی نمایند. "ک.ج.ب." گزارشاتی را درباره رهبری جدید در افغانستان و جریان حوادث در آنکشور جمع آوری نموده بود. یادداشت شماره (الف ۲۰۱۹) مورخ ۳۱ دسمبر برای کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا.ش" توسط "ک.ج.ب." تحت عنوان " درباره جریان حوادث ۲۷ و ۲۸ دسمبر در افغانستان " تهیه شده بود که با امضای اندریوف، اوستینوف، گرومیوکو و پونوماریف مزین گردیده بود. در این یادداشت آمده بود " بعد از کودتای امین و قتل نورمحمد تره کی رئیس شورای انقلابی و منشی عمومی کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." توسط نامبرده در ماه سپتمبر سال جاری، اوضاع در افغانستان بدتر شده به وخامت گرائید. حفیظ الله امین با ایجاد یک نظام دیکتاتوری در کشور موقعیت کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." و شورای انقلابی را به پائینترین سطح تنزیل داد. مقامات بلند در حزب و دولت صرف در اختیار وابستگان و طرفداران سرسخت امین قرار داشت. تعداد زیادی از اعضای کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا."، شورای انقلابی و دولت افغانستان از حزب اخراج و دستگیر گردیدند. اکثریت افرادی که مورد شکنجه قرار گرفتند و یا هم سرکوب گردیدند آنهایی بودند که در انقلاب اپریل سهم داشته، از همفکری شان با اتحاد شوروی پرده پوشی نمیکردند و از اصول لنینیستی در زندگی حزبی شان حمایت میکردند. امین مردم و حزب را در اینمورد که گویا بر کناری تره کی از حزب و دولت به موافقه اتحادشوروی صورت گرفته است، فریب داد.

بنابر هدایت مستقیم حفیظ الله امین شایعاتی در "ج.د.ا." پخش گردیده بود تا اتحاد شوروی را بی اعتبار نموده و فعالیتهای افسران شوروی را در افغانستان متاثر سازد. در عین زمان محدودیت هائی در تماس گرفتن شورویها با اجنتهای افغان وضع شده بود. همچنان تلاشهایی در راستای ایجاد تماس با امریکا بر اساس " سیاست متوازن خارجی " که از طرف امین تصویب شده بود، صورت گرفت. امین تماسهای مخفیانه ای را با شارژدافیر امریکا در کابل برقرار نموده بود. دولت "ج.د.ا." فضای مساعدی را برای فعالیت اداره کلتوری امریکا ایجاد نموده و بنا به دستور شخص امین دستگاه استخبارات افغانستان کار دیده بانی از سفارت امریکا را متوقف ساخت.

حفیظ الله امین خواست از طریق ایجاد تفاهم با رهبران داخلی ضد انقلاب موقفش را تقویت نماید. او از طریق میانجی ها با رهبران گروه های مخالف دست راستی تماس برقرار نموده بود. میزان سرکوب نمودن مخالفان سیاسی به حد خیلی زیادی بالا رفته بود. به تعقیب حوادث ماه سپتمبر بالاتر از ششصد تن از اعضای "ح.د.خ.ا."، منسوبین قوای مسلح و همه افرادی که ظن آن میرفت تا در ضدیت با امین قرار داشته باشند بدون محاکمه از بین برده شدند. که البته این ضربه به مثابه نابودی حزب بوده است.

۲

قوای ژندارم که در زمان داوود به تعداد بیست هزار تن ایجاد شده بود و بعداً در زمان خلقی ها نیز به کارش ادامه داد. بعداً توسط کارمل در

سال ۱۹۸۱ تجدید سازماندهی شده به شش فرقه تقسیم گردید

همه مسایل فوق و به طور خاص ایجاد شرایط دشوار در کشور، روند پیشرفت انقلاب را با مشکلات خیلی زیاد روبرو ساخته برعکس به عناصر ضد انقلاب، که واقعاً در بسیاری از ولایت تحت کنترل قرار داشتند این توانائی را بخشید که فعالتر گردند. در دوران حکمرانی امین عناصر ضد انقلاب تحت حمایت خارجیها توانستند تغییرات بنیادئی را در اوضاع داخلی سیاسی کشور وارد نموده دستاوردهای انقلاب را نابود سازند. شیوه های دیکتاتورمابانه رژیم، شکنجه ها، اعدامهای دسته جمعی و بی توجهی به قانون همه و همه باعث نارضایتی وسیع مردم در کشور گردید. در کابل پوستر های زیادی به چشم میخورد که در آن چهره غیر دموکرات رژیم امین را به تصویر کشانیده تقاضا میگردید تا مردم در برابر "دار و دسته حفیظ الله امین" متحد و یکپارچه شوند.

در این هنگام موج ناآرامیها به اردو نیز رخنه نموده تعداد قابل ملاحظه ای از افسران اردو ضدیت شانرا در مقابل سلطه حامیان بی کفایت امین تبارز میدادند که این نا آرامیها در نهایت موجب شکل گیری جبهه وسیعی علیه امین در کشور گردید.

ببرک کارمل و اسد الله سروری که در این زمان در مهاجرت به سرمیردند از سرنوشت انقلاب و استقلال کشور شان در هراس بودند. آنها در یک واکنش هوشمندانه در برابر وضعیت موجود در کشور که در آن روزبه روز ضدیت با امین از دید مییافت، و برای نجات کشور و انقلاب تصمیم گرفتند تا همه نیروهای موجود در داخل و خارج از کشور را که در ضدیت با امین قرار داشتند، متحد سازند. مخالفتها کنار گذاشته شد و انشعابی که قبلاً در حزب رخ داده بود ترمیم گردید. سروری به نمایندگی از جناح خلق و ببرک به نمایندگی از جناح پرچم اعلام داشتند که بالاخره وحدت حزبی تأمین گردیده است. ببرک به عنوان رهبر حزب و سروری هم به صفت معاون وی انتخاب گردید. بنا بر موجودیت شرایط نهایت دشوار در کشور که دستاورد های انقلاب ثور و امنیت کشور را تهدید میکرد ضروری پنداشته شد تا ارسال کمک های اضافی نظامی به افغانستان تمدید گردد، چیزیکه دولت قبلی "ج.د.ا" نیز آنرا تقاضا نموده بود.

تصمیم فرستادن نیروهای شوروی به افغانستان مطابق به موافقتنامه سال ۱۹۷۸ افغان - شوروی اخذ گردیده است. به تعقیب فرستادن نیروهای نظامی شوروی به افغانستان که در مطابقت کامل با موافقتنامه افغان شوروی منعقد شده سال ۱۹۷۸ صورت گرفته بود موج احساسات وطنپرستانه که به شکل وسیعی در میان اقشار مردم افغانستان ظهور نموده بود باعث گردید تا نیرو های مخالف حفیظ الله امین در شب ۲۷ بر ۲۸ دسمبر متوسل به یک قیام مسلحانه علیه موصوف شوند که در نتیجه رژیم امین کنار زده شد. این قیام از حمایت وسیع کارگران، روشنفکران، بخش اعظم اردو و دولت افغانستان برخوردار بوده، آنها از ایجاد رهبری جدید حزبی و دولتی استقبال نمودند. دولت و شورای انقلابی جدید با پایه های وسیعی که از همه مردم نمایندگی میکند ایجاد گردیده است که در آن نمایندگان گروپ های سابق خلق و پرچم، نماینده های منسوبین اردو و غیر حزبی ها شرکت دارند.

ادامه دارد